
با بورخس

آلبرتو مانگوتل

مترجم
کیوان باجغلی



نقش‌ماهی

تهران

۱۳۸۹

Alberto Manguel
With Borges
Telegram, London, 2006

Manguel, Alberto	مانگوتل، آلبرتو، ۱۹۴۸-م.	سرشناسه:
	با بورخس / آلبرتو مانگوتل / مترجم کیوان باجغلی.	عنوان و پدیدآور:
	تهران، نشر ماهی، ۱۳۸۷.	مشخصات نشر:
	۷۲ ص.	مشخصات ظاهری:
	ISBN 978-964-209-018-1	شابک:
	فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.	یادداشت کلی:
<i>With Borges, 2006</i>	عنوان اصلی:	یادداشت عنوان:
	خورخه لوئیس بورخس، ۱۸۹۹-۱۹۸۶ م. - دوستان و آشنایان.	موضوع:
	خورخه لوئیس بورخس، ۱۸۹۹-۱۹۸۶ م. - کتاب و مواد خواندنی.	موضوع:
	مانگوتل، آلبرتو، ۱۹۴۸- . - دوستان و آشنایان.	موضوع:
	باجغلی، کیوان، ۱۳۵۰- ، مترجم.	شناسه‌ی افزوده:
	۱۳۸۷ ۵۸ ی ۹ ب / PQW۹۷	رده‌بندی کنگره:
	۸۶۸/۶۲۰۹	رده‌بندی دیویی:
	۱۳۳۹۱۷۰	شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی:

با پورخس

نویسنده	آلبرتو مانگونتا
مترجم	کیوان باجفلی
	+
چاپ اول	بهار ۱۳۸۹
تیراژ	۲۰۰۰ نسخه
	+
ویراستار	محسن قائم مقامی
مدیر هنری	حسین سجادی
حروف چینی	سپیده
لینوگرافی	گرافیک گستر
چاپ جلد	چاپ هنریر
چاپ متن و صحافی	سازمان چاپ و انتشارات
	+
شابک	۹۷۸-۹۶۲-۲۰۹-۰۱۸۰-۱
همه‌ی حقوق برای ناشر محفوظ است.	



نقره‌ما

یادداشت مترجم

دمدمای غروب یکی از روزهای سال ۱۹۶۴ در بوئنوس آیرس، پیرمردی نابینا وارد کتابفروشی مورد علاقه‌اش به اسم پیگمالیون^۱ می‌شود و بعد از خرید دو جلد کتاب به پسر نوجوانی که در آن‌جا کار می‌کند می‌گوید، اگر فرصت دارد هفته‌ای چند روز به آپارتمان او بیاید و برایش کتاب بخواند. پسر نوجوان پیشنهاد پیرمرد نابینا را می‌پذیرد و به مدت چهار سال (۱۹۶۴-۱۹۶۸) وظیفه‌ی کتابخوانی برای یکی از غریب‌ترین اذهان روزگار ما را بر عهده می‌گیرد. آن پیرمرد شصت و پنج ساله خورخه لوئیس بورخس نام داشت و آن نوجوان شانزده ساله آلبرتو مانگونل، نوجوانی که در مقام چشمان بورخس تجربه‌ی یگانه‌ی سفر به جهان ادبیات را، در معیت و هدایت پیرمرد، از سر گذراند. آلبرتو مانگونل (متولد ۱۹۴۸) جستارنویس، رمان‌نویس و مترجم آرژانتینی تبار و انگلیسی‌زبان، گرچه در برخی از آثارش همچون تاریخ خواندن^۲ (۱۹۹۶) و کتابخانه در شب (۲۰۰۶) به جلسات کتابخوانی‌اش برای بورخس اشاراتی می‌کند، منتها در متنی که پیش رو دارید «خاطراتش» با بورخس را به تفصیل و در قالب «روایتی» جستارگونه به نگارش درمی‌آورد؛ روایتی در دو برش زمانی حال (به شیوه‌ی فلاش‌بک) و ماضی که در ظاهر متن نیز با دو نوع فونت از هم متمایز می‌شوند. تجربه‌ی کتاب‌خواندن برای

یکی از بزرگ‌ترین خوانندگان جهان و نیز تحصیل در دبیرستان کم‌نظیر کولخیو ناسیونال^۲ در بونتوس آیرس، شالوده‌ی زندگی ادبی مانگوتل را ریخت و او را در حدود بیست سالگی (۱۹۶۸) واداشت برای مشاهده‌ی جهانی که در قلمرو ادبیات با آن آشنا شده بود، کشورش را به قصد اروپا ترک کند. از آن زمان تا به امروز، او با امتناع از ورود به فضای آکادمیک و نیز با پرهیز از ریشه‌دواندن در خاک هیچ خطه‌ای جز آن موطنی که کرانه‌های آن را کتابخانه‌اش برایش ترسیم می‌کند، خواندن و نوشتن را به عنوان تنها حرفه‌ی زندگی‌اش برگزیده است. به نظر می‌رسد که تجربه‌ی کتابخوانی برای بورخس هیچ‌گاه سایه‌اش را از سر او برنگرفته است چرا که مانگوتل، علی‌رغم کارنامه‌ی پرویمانش در عرصه‌ی نوشتن، همانند بورخس خود را خواننده می‌داند نه نویسنده، و گواه این سخنش را می‌توان در عجبین‌بودن اغلب آثارش، به نحوی از انحاء، با کنش خواندن مشاهده کرد: تهیه و تنظیم آنتولوژی‌هایی مشهور در عرصه‌ی ادبیات داستانی، خواندن طیف وسیعی از متون ادبیِ دیروز و امروز در جای‌جای آثارش، خواندن زندگی‌نویسندگان، خواندن یادداشت‌های روزانه‌ی خودش در قالب کتابی خوشخوان در زمینه‌ی خوانش ادبی، خواندن عکس‌ها و نقاشی‌ها، تأمل بر مکان خواندن (کتابخانه)، و در نهایت تاریخ خواندن. او همچنان که در جهان واقعی موطنش را هر بار در افقی دیگر می‌جوید، در جهان آثارش نیز بستر تأمل بر موضوع مورد بحثش را هر بار در افق متونی دیگر می‌جوید، و بدین ترتیب گویی در دالان‌ها و تالارهای اغلب نوشتارهایش، طنین این سطر بورخس را بار دیگر به گوش ما می‌رساند: «جهان که دیگران کتابخانه می‌نامندش...»

در کتابخانه‌ای از این دست، خواننده‌ی ایده‌آل به چشم مانگوتل خواننده‌ای است که «خود را صاحب یک ملیت مشخص نمی‌داند، دغدغه‌ی ژانر ندارد، خود را یکی از کاراکترهای اصلی رمان می‌داند، ظرفیت نامحدودی برای فراموش کردن دارد، با خواندن کتابی از قرون پیشین احساس جاودانگی می‌کند... و به محض آن که خواندن کتابی را به

اتمام می‌رساند احساس می‌کند اگر آن را نخوانده بود جهان چه تهیدست‌تر، چه بینواتر می‌بود». در کارنامه‌ی مانگوتل آثاری در زمینه‌های داستان، نقد ادبی و سینمایی، پژوهش و بیوگرافی نویسندگان به چشم می‌خورد که از این جمله‌اند: فرهنگ مکان‌های خیالی (۱۹۸۰)، اخباری که از کشوری بیگانه آمد (۱۹۹۱)، تاریخ خواندن (۱۹۹۶)، خوانش تصاویر (۲۰۰۰)، استیونسون در سایه‌ی نخل‌ها (۲۰۰۳)، کتابخانه در شب (۲۰۰۶)، شهر کلمات (۲۰۰۷)، ایلید و اودیسه‌ی هومر (۲۰۰۷). او هرچند هیچ‌گاه به فضای آکادمیک خوشبین نبوده و برای ادامه‌ی تحصیل قدم به آن فضا نهاده است، اما آثار او به دانشگاه‌های اروپا راه یافت و در سال ۲۰۰۷ مدرک دکترای افتخاری دانشگاه لی‌ژ بلژیک را نصیب او کرد. مانگوتل اکنون با همسرش در خانه‌ی مرمت‌شده‌ای، متعلق به پنج قرن پیش، در فرانسه زندگی می‌کند، خانه‌ای که انگار از عهده‌ی رام‌کردن کتابخانه‌ی غول‌آسا و چموش او برآمده است، کتابخانه‌ای که در چشم مانگوتل پنجره‌ای است سی‌هزار جلدی، مشرف به جهان.



در هنگام ترجمه و ویرایش این متن، دکتر احمد اخوت با گره‌گشایی‌های سخاوتمندانه و پیشنهادهای باریک‌بینانه‌اش چراغ راهم بود. از ایشان صمیمانه سپاسگزارم.

کیوان باجفلی

تابستان ۱۳۸۷

برای اِکتور بیانیوتی،
آن بلندنظرترین شاهدان.